

قراردادهای فوتبال از منظر مقررات فیفا و فدراسیون فوتبال ایران

مجتبی اصغریان^۱، سید محمدجواد سربها^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۱

چکیده

قراردادهای فوتبال در عرصه داخلی و کم‌وبیش در عرصه بین‌المللی دچار خلأها و نواقص فراوانی است. برابر اعلام فیفا، هر قرارداد فوتبال در صورتی معتبر است که حداقل دارای سیزده سرفصل مشخص باشد، درحالی‌که فدراسیون فوتبال ایران مقررات ویژه‌ای در زمینه حداقل الزامات قرارداد فوتبال اعلام نکرده است.

در این تحقیق، ضمن بررسی حداقل الزامات این قراردادها از نظر فیفا و فدراسیون فوتبال ایران، به وضعیت حقوقی قراردادهای داخلی بازیکنان با باشگاه پرداخته شده، به‌ویژه در صورتی‌که این قراردادها در تعارض با قرارداد رسمی ثبت‌شده بازیکنان در فدراسیون فوتبال باشد، و این نتیجه به دست آمده است که در تعارض میان مفاد قرارداد باشگاهی با قرارداد رسمی منعقدشده در فدراسیون فوتبال، قرارداد اخیر مقدم است. افزون‌براین، تدوین حداقل استانداردهای قرارداد فوتبال، یکسان‌سازی مفاد این قراردادها، به‌روزرسانی دقیق مقررات حوزه فوتبال و رفع ابهام از آنها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: قرارداد فوتبال، فیفا، فدراسیون فوتبال

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛ asgharian@khu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علم و فرهنگ؛ sarbaha67mj@gmail.com

مقدمه

امروزه، ورزش یکی از ارزشمندترین فعالیت‌های اجتماعی در میان جوامع گوناگون به‌شمار می‌رود و پیوندی ناگسستنی با سایر حوزه‌ها از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و رسانه دارد (Giulianotti, 2005, p.386). در این بین، پاره‌ای از ورزش‌ها، همانند فوتبال، وارد مرحله جدید ساختاری شده و در جایگاه ورزشی جهانی معرفی شده‌اند. ارتباط فوتبال با عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی به قدری گسترده است که به شکل‌گیری حوزه‌های پژوهشی متعددی منجر شده است (دوفرانس، ۱۳۸۵، ص ۷). برای مثال، ابعاد سیاسی ورزش فوتبال تا آن حد اهمیت دارد که برای بسیاری از ملت‌ها جایگاه فوتبال حتی والاتر از دولت و سایر ارکان کشور است و به علت همراهی و همدلی با تیم ملی فوتبال کشورشان، خود را ملتی کامل قلمداد می‌کنند (Horne, 2000, p.73). برخی بر این نظرند که فوتبال جهانی‌ترین پدیده حال حاضر است و میزان جهانی‌شدن فوتبال حتی از مفاهیمی مانند دموکراسی و اقتصاد بازار نیز بیشتر بوده است (Boniface, 1998, p.88). این استدلال را می‌توان حتی با مقایسه تعداد اعضای سازمان ملل و فیفا هم ثابت کرد. سازمان ملل در حال حاضر ۱۹۳ عضو دارد، درحالی‌که تعداد اعضای فیفا ۲۱۱ نفر است.^۱

در این میان، موضوعات حقوقی گوناگونی که در حاشیه فوتبال ایجاد می‌شود، اهمیت دوچندان و گسترش روزافزون می‌یابد (صنعتی، ۱۳۸۹، ص ۲). فوتبال و نقل و انتقال بازیکنان حرفه‌ای امروزه شکلی از بازار واقعی را به خود گرفته است. اولین بار در ۱۸۸۵م، اتحادیه فوتبال انگلستان الزاماتی را برای ثبت نقل و انتقال بازیکنان وضع کرد. قبل از تصویب این الزامات، بازیکنان فرایند چانه‌زنی طولانی‌مدتی را برای انعقاد قرارداد جدید طی می‌کردند. چنین الزاماتی برای نقل و انتقال در ۱۹۲۵ در فرانسه نیز ایجاد شد. هدف از وضع چنین الزاماتی حمایت از باشگاه‌های کوچک در جریان نقل و انتقال بود. از ۱۹۵۹، در انگلستان، الزامات بیشتری برای انعقاد قراردادها بر طرفین تحمیل شد (Chadwick et al., 2018, p.157-160).

1. <https://www.fifa.com/associations> (last visited: 2020-08-25)

از لحاظ اقتصادی و قدرت کسب درآمد، این رشته ورزشی جایگاه والایی در میان رشته‌های ورزشی دارد، تا آنجا که با انتقال یک بازیکن حرفه‌ای فوتبال از باشگاهی به باشگاه دیگر مبلغ گزافی نصیب باشگاه می‌شود. یکی از این نمونه‌ها، انتقال کریستیانو رونالدو از باشگاه منچستر یونایتد به رئال مادرید است (شرکاییان، ۱۳۹۴، ص ۴۳). در جریان این نقل و انتقالات ممکن است چالش‌های مختلف مالی، مالیاتی و حقوقی ایجاد شود.

اگرچه برخی نویسندگان اساساً وجود گزایشی به نام «حقوق ورزشی» یا «حقوق فوتبال» را انکار می‌کنند و بر این نظرند که قواعد حاکم بر این رشته ماهیتی متفاوت با قواعد عام سایر حوزه‌های حقوق ندارد و بهتر است از عباراتی مانند ورزش و حقوق یا فوتبال و حقوق استفاده شود (Grayson, 1994, p. 37) اما به نظر برخی، گزایش «حقوق ورزشی» موضوعات گوناگونی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و شاخه قرارداد ورزشی را می‌توان مهم‌ترین بخش آن مطرح کرد، زیرا ایجاد الزامات قانونی در گرو انعقاد قرارداد است (آقای نی، ۱۳۹۳، ص ۲).

یکی از مباحث مهم در حوزه فوتبال قراردادهایی است که در سایه آن مواردی همچون طرفین قرارداد، مبلغ قرارداد، مدت قرارداد، شروط ضمن آن و الزامات قراردادی به طور شفاف بیان می‌شود. تاکنون پرونده‌های متعددی علیه ایران در فیفا مطرح شده و در بسیاری از موارد نحوه تنظیم شروط ضمن عقد است که نتیجه را تعیین می‌کند. به علت اهمیت چالش‌های قراردادی در فوتبال، شایسته است مطالعات حقوقی عمیقی درباره ماهیت و مفاد چنین شروطی صورت گیرد.

در این پژوهش سعی بر آن است، با واکاوی قراردادهای فوتبال از ابعاد متعدد تحت مضامین تبیین الزامات این نوع عقود در بخش بین‌المللی و داخلی، مقایسه قراردادهای داخلی و رسمی، مقایسه قراردادهای ملی و فراملی و همچنین خلأهای موجود در قراردادهای فوتبال، به آسیب‌شناسی دقیق و علمی در این حوزه دست یافت.

۱. الزامات قراردادهای فوتبال

الزامات قراردادهای فوتبال از دو بعد قابل بررسی است: الزامات فیفا و الزامات فدراسیون فوتبال ایران که در ادامه به ترتیب به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱. الزامات قراردادهای فوتبال از منظر فیفا

الف) ضرورت وضع الزامات فیفا

کمیته اجرایی فیفا، در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸ بخش‌نامه شماره ۱۱۷۱، «حداقل الزامات قرارداد یک بازیکن حرفه‌ای»^۱ را تصویب کرد (FIFA, 2008). در این بخش‌نامه سیزده سرفصل مهم قراردادی تبیین شده است. به موجب بخش‌نامه مذکور، قرارداد معتبر قراردادی است که سیزده سرفصل در آن وجود داشته و درخصوص آن‌ها تعیین تکلیف شده باشد؛ یعنی حداقل‌هایی را که باید تعیین تکلیف شود برشمرده است؛ این به آن معنا است که حداکثری وجود ندارد و می‌توان مواردی را به این سیزده مورد اضافه کرد. البته شایان ذکر است که محتوای قراردادهای با توافق بازیکن و باشگاه تعیین می‌شود و فدراسیون حق دخالت در محتوا را ندارد.

موارد سیزده‌گانه مذکور از قرار ذیل است:

۱. قرارداد و طرفین آن‌ها؛ ۲. تعاریف؛ ۳. ارتباط؛ ۴. تعهدات باشگاه؛ ۵. تعهدات بازیکن؛ ۶. حقوق تصویری؛ ۷. قرارداد قرضی بازیکن؛ ۸. تنبیه بازیکن و شکایت؛ ۹. مقابله با نیروافزایی؛ ۱۰. حل اختلاف؛ ۱۱. مقررات فوتبال؛ ۱۲. قرارداد دسته جمعی؛ ۱۳. قوانین نهایی.

فیفا حداقل‌هایی را برای قرارداد فوتبال تعریف کرده و هر قراردادی که سیزده شرط تعیین شده از سوی فیفا را داشته باشد قرارداد حرفه‌ای حداقلی است.

با توجه به «اصل آزادی قراردادی»، طرفین عقد می‌توانند آزادانه قرارداد خود را به هر ترتیبی که مایل اند منعقد کنند و نتایج و آثار دلخواه خویش را برقرار سازند، مشروط بر این‌که مغایرتی با قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه نداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۸، جلد ۱، ص ۱۴۶). از این رو به نظر برخی نویسندگان، ارائه فرم از پیش آماده شده برای انعقاد قراردادهای فوتبال به باشگاه‌ها و الزام آنان به استفاده از آن با اصل «آزادی قراردادی» مطابقت ندارد و قدرت یک سازمان بین‌المللی برای تحمیل شروط قراردادی، بدون اینکه طرفین واقعاً بر مفاد قرارداد رضایت داشته باشند، قرارداد را از ماهیت اصلی خود (توافق اراده‌ها) دور می‌کند (Feeburn, 2018, p. 60). البته به نظر می‌رسد ضرورت

1. Professional Football Player Contract Minimum Requirements

و فلسفه وضع چنین الزاماتی حمایت از طرف ضعیف قرارداد (بازیکنان) بوده است و آزادی قراردادی در مواردی که با نقض حقوق طرف ضعیف قرارداد همراه باشد محدود می‌شود.

هرچند اگر فدراسیون‌ها، به‌منظور یکسان‌سازی ظاهر قراردادها، یک قالب آماده ترتیب دهند، اقدامی شایسته است؛ ولی در مقابل باید امکان درج شروط اضافی یا حذف برخی از آن‌ها نیز به طرفین قرارداد داده شود.

از جمله عللی که برای لزوم تدوین و اجرای چنین الزاماتی از سوی فیفا ذکر می‌شود، دغدغه‌های حقوق بشری است. در واقع گزارش‌هایی به فیفا و نهادهای فوتبال ملی داده می‌شد که نشان می‌داد باشگاه‌ها، بدون در نظر گرفتن شرایط بازیکنان، با نقض گسترده حقوق افراد و بدون رعایت حداقلی تشریفات حقوقی، قراردادهایی را با آن‌ها منعقد می‌کردند و انعقاد این قراردادها به‌جز بیگاری، نقض حقوق بشر، بهره‌کشی و سوءاستفاده از نیروی کار و جوانی فرد نتیجه‌ای به دنبال نداشت. هرچند، به باور بسیاری از نویسندگان، در ورزش فوتبال همچنان بخش‌های غیررسمی و تاریکی وجود دارد که اعمال اصل «حاکمیت قانون» بر این ورزش را زیر سؤال برده است (Yamazaki, 2018, pp. 40-43).

پذیرش و اجرای الزامات فیفا در اتحادیه اروپا نیز به علل مشابهی صورت گرفت. کمیسیون اروپا به علت گزارش‌هایی که از قراردادهای بهره‌جویانه و سوءاستفاده‌گرانه در لیگ‌های فوتبال کشورهای اروپای شرقی دریافت می‌کرد، با وضع سازوکارهایی با همکاری فیفا، اجرای این الزامات در کشورهای عضو اتحادیه را تحت نظارت قرار داد (Geeraert, 2016, p.132).

این الزامات در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در کمیسیون اروپا مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مطالعات گسترده‌ای انجام شد. کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و میزگردهای فراوانی برگزار شد و دو گروه کاری در کمیسیون اروپا تشکیل شد. اولین گروه درخصوص اجرای این الزامات فعالیت می‌کردند و دومین گروه برای اجرای جمعی چنین الزاماتی (در قالب توافقی جمعی در سطح اتحادیه اروپا) تلاش می‌کردند. در آگوست ۲۰۱۲، با

تلاش‌های اتحادیه جهانی فوتبال‌بالیست‌های حرفه‌ای (فیفا پرو)^۱ و همکاری کمیسیون اروپا و فیفا، این الزامات در اتحادیه اروپا نهایی شد و موارد مفصل‌تری در خصوص حل و فصل اختلافات، قوانین اجرایی، تعهدات و حقوق اولیه باشگاه‌ها و بازیکنان (مانند حق بر دستمزد منصفانه، بیمه و تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، تعهد به زندگی سالم و سطح بالای آمادگی از سوی بازیکن و مقرراتی در خصوص حقوق تصویری) به آن اضافه شد (Pijetlovic, 2015, p.85).

این بخش‌نامه از زمان تصویب تا کنون تغییر نکرده و به‌روزرسانی نشده است. یکی از ایراداتی که می‌توان مطرح کرد اعمال‌نشدن تغییرات پس از گذشت بیش از یک دهه از تصویب آن است. مقررات فوتبال طی سال‌های اخیر به وفور دچار تحول شده است و ضروری به نظر می‌رسد که فدراسیون جهانی فوتبال بازنگری جامعی در این بخش‌نامه و همچنین مقرراتی که در سال‌های متمادی به‌روزرسانی نشده انجام دهد.

هدف اصلی فیفا از تصویب این بخش‌نامه ارائه دستورالعملی به‌منظور پوشش مهم‌ترین و ضروری‌ترین حقوق و وظایف طرفین قرارداد یعنی بازیکن حرفه‌ای و باشگاه است. بنابراین مواردی که در بندهای مختلف این بخش‌نامه ذکر شده است، حداقل‌هایی است که برای انعقاد قرارداد میان بازیکن حرفه‌ای و باشگاه فوتبال ضروری است. فیفا نیز با تصریح بر این که بخش‌نامه مزبور را کمیته اجرایی فیفا تنظیم و تدوین کرده، اعضا را به استفاده از این رهنمود تشویق و ترغیب کرده است.

مقررات سازمان‌های بین‌المللی همانند فیفا در رقابت‌هایی که در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود امری بوده و برای باشگاه‌ها و تیم‌های ملی لازم‌الاتباع است و در صورت تخلفی از آن‌ها، جرایمی از قبیل تعلیق عضویت و شرکت در مسابقات در انتظار خاطی خواهد بود. هم‌چنین مقررات سازمان مذکور در مورد مقررات باز، آمرانه است، اما در خصوص نقل و انتقالات بازیکنان، نحوه تشکیل باشگاه‌ها و سازوکار برگزاری مسابقات امری نیست و فقط جنبه ارشادی دارد (Jorge, 2014, pp.165-167).

1. The Fédération Internationale des Associations de Footballeurs Professionnels (FIFpro)

ب) تحلیل برخی الزامات فیفا

برخی از سیزده الزامی که باید در هر قرارداد فوتبال لحاظ شود نیاز به توضیح و تحلیل دارد که در ادامه به تفصیل بررسی خواهند شد.

ب-۱. قرارداد و طرفین آن

بند الف این بخش نامه به قرارداد و طرفین آن اختصاص داده شده است. قرارداد فوتبال عقدی تشریفاتی است؛ زیرا باید به صورت مکتوب تنظیم شود و به امضای طرفین برسد.

نکته دیگر در این قسمت، توجه به یکی از شرایط صحت قرارداد با عنوان اهلیت طرفین است. به موجب این بخش، چنانچه قرارداد فوتبال متعلق به اشخاص صغیر باشد، برخی وظایف بازیکن باید توسط ولی یا قیم آنان صورت گیرد.

در بحث حاضر، بازیکنان صغیر اهلیت تمتع را دارا هستند، لیکن شخصاً حق اجرای آن را ندارند و به موجب قانون، نمایندگان آنان (ولی قهری، قیم و...) این حق را اعمال می کنند.

فیفا برای حمایت از صغار مقررات ویژه‌ای را مقرر داشته است. برای مثال می توان به پاراگراف ۲ ماده ۱۹ مقررات فیفا درباره وضعیت و انتقال بازیکنان اشاره کرد. این ماده مقرر می دارد:

«نقل و انتقال بازیکنان زیر سن قانونی به کشوری غیر از کشور خودشان ممنوع است. (این ممنوعیت تنها تحت شرایط خاصی برداشته می شود و وجود این شرایط باید به تأیید فیفا برسد.)» (FIFA, 2020). فیفا به این علت چنین شرایطی را وضع کرده که منفعت صغیر و حمایت از او، به منزله طرف ضعیف قرارداد، به منافع باشگاه مرجع است. از سال ۲۰۱۰، اتحادیه اعضای فیفا سامانه‌ای آنلاین را برای ضبط و کنترل نقل و انتقال بازیکنان بین باشگاه‌ها ایجاد کرد و استفاده از این سامانه از همان سال اجباری شد. در حال حاضر، هر دو طرف قرارداد نقل و انتقال باید اطلاعات جزئی بازیکنان را در این سامانه وارد کنند تا گواهی بلامانع بودن نقل و انتقال صادر شود.

نکته قابل توجه دیگر تفاوت قوانین کار (حتی در اتحادیه اروپا) و تفسیر قوانین ملی از معنای سن قانونی است. به عبارت دیگر، مثلاً در اسپانیا بازیکنان زیر هجده سال صغیر

محسوب می‌شوند و نمی‌توانند شخصاً قراردادی امضا کنند. درحالی‌که این سن در انگلستان شانزده سال است. در سال‌های اخیر، باشگاه‌های متعددی برای نقض مقررات امضای قرارداد با بازیکنان زیر هجده سال تحت پیگرد فیفا قرار گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به پرونده باشگاه چلسی در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد.

ب-۲. ارتباط

بر اساس بخش‌نامه فیفا (FIFA, 2008)، حداقل الزامات قرارداد یک بازیکن حرفه‌ای، شاخص‌های رابطه به شرح ذیل هستند:

۱. توافق‌نامه در واقع قرارداد استخدام یک بازیکن حرفه‌ای را به رشته تحریر در می‌آورد. اگر قانون دیگری مورد توافق طرفین واقع نشده باشد، قوانین داخلی کشوری که باشگاه در آن بر طبق مقررات به ثبت رسیده اعمال خواهد شد. قوانین کار ملی ممکن است مقررات الزام‌آوری پیش‌بینی کند که طرفین قرارداد نمی‌توانند آن را تغییر دهند و باید در نظر گرفته شوند.

۲. قراردادهای استخدامی باید دربردارنده کلیه وظایف و حقوق مابین دو طرف امضاکننده قرارداد باشند (کارفرما و مستخدم). هیچ قرارداد دیگری نمی‌تواند پوشش‌دهنده روابط حقوقی مابین طرفین قرارداد باشد. اگر قرارداد دیگری وجود داشته باشد یا در مرحله بعد به امضا برسد، طرفین قرارداد ملزم‌اند به این قرارداد یا هرگونه قرارداد استخدامی بعدی رجوع کنند. هرگونه قرارداد دیگری که مرتبط با قرارداد کار است، باید به ترتیب مقرر به سازمان لیگ حرفه‌ای یا فدراسیون فوتبال فرستاده شود.

۳. باشگاه بازیکن را به‌عنوان بازیکن حرفه‌ای با شرایطی که در این توافق‌نامه ذکر شد به خدمت می‌گیرد.

رویکرد آیین‌نامه نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران نیز بر همین مبنا پی‌ریزی شده است. به این معنی که قراردادهای فوتبال به مجرد امضای طرفین عقد معتبر و قابل استنادند و برای طرفین تعهدآور و لازم‌الاتباع^۱.

مسئله اشاره‌شده دیگر در بند «ارتباط» لزوم ارسال قرارداد به فدراسیون یا سازمان لیگ مربوطه است. مقررات فوتبال ایران نیز در مواد ۸ و ۱۹ مقررات نقل و انتقالات و

۱. آیین‌نامه نقل و انتقالات بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران، ۱۳۹۳، ماده ۲۰-۱۱

تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال ایران مصوب ۱۳۹۶ به این موضوع پرداخته است.

ب-۳. حقوق تصویری

حق بر تصویر از جمله حقوقی است که همچنان بر سر ماهیت و اجرای آن اتفاق نظری وجود ندارد. این عنوان به معنای حق در اختیار داشتن اختصاصی و بهره‌گیری تجاری از نام، شهرت، صدا و تصویر صاحب آن در تبلیغات است. این حقوق به علت امکان استفاده دیگران ارزشمند است (Cloete, 2012). به عبارت دیگر، اشخاص نسبت به تصویر خود دارای حق انحصاری هستند و حق دارند آزادانه در خصوص تصویر خویش هر تصمیمی اتخاذ کنند (میرشکاری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲).

بر اساس یک دیدگاه، حیات این حق از شخصیت انسان است و از مصادیق حریم خصوصی محسوب می‌شود (Gaillard, 1984, pp.161-181). گرایش بیشتر نظام‌های حقوقی در اروپا به جنبه غیرمالی بودن حق تصویر است (Westkamp, 2009, pp.535-538). در مقابل، گروهی عقیده بر مالی بودن این حق دارند. ایشان بر این نظرند که برای نمونه اشخاص مشهور، در برابر دریافت پول، اجازه استفاده از تصویرشان را به دیگران می‌دهند (میرشکاری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳). نظام حقوقی امریکا را می‌توان از طرفداران این دیدگاه دانست (Lauterbach, 2005).

به نظر می‌رسد حق بر تصویر دارای هر دو جنبه است؛ به‌ویژه آنکه در برخی موارد هر دو بعد غیرمالی و مالی یک حق با یکدیگر ممزوج می‌گردند؛ مانند حقی که مؤلف بر اثر خود دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۱۱-۱۲). حق بر تصویر نیز هرچند وابسته به انسان و شخصیت اوست و امکان انکار بعد غیرمالی آن وجود ندارد، جنبه مالی آن نیز انکارناپذیر است؛ همانند تصویر افراد مشهور و محبوب که از ارزش بالایی برخوردار است (Balcarczyk, 2010, p. 523).

در ایران، ابتدا برای تبلیغ محصولات و خدمات از پیراهن بازیکنان باشگاهی استفاده می‌شد. نخستین بهره‌گیری از چهره‌های سینمایی به سال ۱۳۸۵ باز می‌گردد. در ابتدا استفاده از چهره اشخاص مشهور برای تبلیغات تجاری غیرقانونی بود، اما با گذشت زمان، معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد این ممنوعیت را به استناد بند ب ماده ۱۲ آیین‌نامه

تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب لغو کرد. در حال حاضر، استفاده از حق تصویری به شکل روزافزون در حال گسترش است، به گونه‌ای که موجب ترغیب اشخاص مشهور از جمله بازیکنان فوتبال به منظور کسب درآمد مضاعف از طریق تبلیغات با تصویرشان شده است (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۵۲۲ و ۵۲۳). در واقع می‌توان گفت حتی در صورت فقدان قوانین و مقرراتی که چنین حقی را به رسمیت شمرده‌اند، عرف جهانی حاکم بر فوتبال و رفتار بازیکنان آن (و سایر افراد مشهور) بر مالی بودن این حق مهر تأیید زده است. امروزه بازیکنان فوتبال در شبکه‌های اجتماعی فعالیت گسترده‌ای دارند و حتی از تعداد لایک‌های تصاویرشان نیز کسب درآمد می‌کنند.

با وجود توسعه حق تصویر و نقش مؤثر آن در رشته فوتبال، فدراسیون فوتبال ایران از داشتن مقررات ویژه در این حوزه بی‌بهره است. ضروری است، همانند فدراسیون بین‌المللی فوتبال که مباحث مربوط به حقوق تصویری را در زمره حداقل الزامات قراردادهای میان باشگاه و بازیکن به رشته تحریر درآورده است، این‌گونه حقوق در مقررات داخلی نیز تبیین شود.

ب- ۴. قرارداد قرضی بازیکن

مقررات مربوط به قرارداد قرضی به‌طور کامل در مقررات فدراسیون جهانی فوتبال و همچنین فدراسیون فوتبال ایران پیش‌بینی شده است. فیفا در ماده ۱۰ مقررات وضعیت و نقل و انتقالات خود به این امر پرداخته^۲ و مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان ایران نیز ذیل ماده ۱۰ به تشریح آن مبادرت کرده است.^۳ به استناد این ماده، «بازیکن حرفه‌ای براساس یک قرارداد مکتوب بین بازیکن و دو باشگاه مرتبط می‌تواند به صورت قرضی انتقال یابد». همچنین به استناد بند ۷ این ماده، «با انقضای مدت زمان قرارداد انتقال قرضی، بازیکن در اختیار باشگاه اولیه می‌باشد».

۱. بند ب ماده ۱۲ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی بیان می‌دارد: «استفاده از تصاویر و عناوین مقامات عالی‌رتبه مملکتی و تمثال پیشوایان مذهبی و شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی کشور در آگهی‌هایی که هدف آن‌ها ارائه کالاهای مصرفی و خدمات مشابه می‌باشد ممنوع است».

۲. Regulations on the Status and Transfer of Players, March 2020 edition, Article 10.

۳. مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶، ماده ۱۰.

ب-۵. مقابله با نیروافزایی (دوپینگ)

بنابر بخش‌نامه کمیته اجرایی فیفا درخصوص حداقل الزامات قراردادهای فوتبال، موضوعاتی که باید در زمینه مقابله با نیروافزایی در قراردادهای بین باشگاه و بازیکن مورد توجه قرار گیرد به شرح زیر است:

۱. باشگاه و بازیکن باید کلیه قوانین مربوط به مقابله با نیروافزایی ارکان فوتبال را رعایت کنند.

۲. نیروافزایی به معنی استفاده از مواد موجود در لیست مواد غیرمجاز و استفاده از شیوه‌های ممنوعه در لیست مربوط به نیروافزایی است.

۳. نیروافزایی ممنوع است. هرکسی که استفاده از مواد غیرمجاز را به هر طریقی هدایت یا تشویق کند به ارکان انضباطی فدراسیون‌های عضو یا ارگان‌های تصمیم‌گیر بین‌المللی مربوطه ارجاع خواهد شد.

۴. همچنین باشگاه این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هر گونه اقدامی را درقبال بازیکنی که در اجرای نیروافزایی مقصر شناخته شده اتخاذ کند.

در شرح این موارد باید گفت از موضوعاتی که همواره در مقابل روح جوانمردانه فوتبال قرار گرفته است، معضل نیروافزایی است. اقدام ورزشکاران به این امر به علل متعددی است و در بسیاری موارد جنبه روانی و باطنی دارد. با وجود این، مقابله با این پدیده ناپسند به سه علت اساسی انجام می‌پذیرد: حفظ سلامت ورزشکاران؛ حفظ شئون ورزشی و پزشکی؛ تدارک فضای سالم، برابر و عادلانه برای رقابت میان ورزشکاران (حلب‌چی، ۱۳۸۶، ص ۱۰). درواقع حمایت از رقابت سالم و منصفانه بین بازیکنان را می‌توان مهم‌ترین فلسفه وضع قوانین مقابله با نیروافزایی دانست.

اگرچه نیروافزایی موجب بهبود عملکرد ورزشکاران می‌شود، اما خطرهای بسیاری را برای سلامتی و حرفه آنان به همراه خواهد داشت. رسوایی برخی از ورزشکاران تراز اول جهانی پس از احراز نیروافزایی و اعلان آن، منجر به خدشه‌دار شدن چهره آنان شده و به حرفه و شغل آنها صدمات گسترده‌ای وارد می‌آورد (McPherson, 2016, pp. 5-6).

موضوع نیروافزایی فقط مختص به فوتبال نیست و به‌طور گسترده در تمامی ورزش‌ها راه یافته است که نظارت بر آن بر عهده آژانس جهانی مقابله با نیروافزایی (WADA)^۱ است. با توجه به اهمیت رشته فوتبال و تأثیرگذاری فراگیر آن در سطح بین‌المللی، نیاز به کنکاش دقیق‌تری درباره پدیده نیروافزایی در فوتبال احساس می‌شود. فدراسیون جهانی فوتبال در سال‌های اخیر واکنش‌های مختلفی به نیروافزایی نشان داده و همواره در صدد مقابله با این مشکل بوده است. در همین راستا، فیفا به تدوین مقرراتی اقدام کرد تا به‌طور جامع به آن بپردازد و مجموعه‌ای با عنوان «مقررات مقابله با نیروافزایی فیفا»^۲ را به رشته تحریر درآورد که آخرین اصلاحات آن در سال ۲۰۱۸ انجام پذیرفته است (FIFA, 2018). مقررات مذکور درخصوص فدراسیون جهانی فوتبال، کنفدراسیون و فدراسیون‌های عضو فیفا، بازیکنان، باشگاه‌ها، کارکنان بخش پشتیبانی از بازیکن، مسابقات رسمی، مقامات رسمی و سایر افرادی که در فعالیت‌ها و بازی‌هایی که توسط فیفا سازمان‌دهی می‌شود و سایر موارد تصریح شده اعمال می‌شود. همچنین این مقررات درباره تمام کنترل‌های نیروافزایی که فدراسیون جهانی فوتبال و اعضای آن صلاحیت دارند به‌کار گرفته می‌شود.^۳

ب- ۶. حل اختلاف

قاعده این است که توافقات طرفین بر عرف و قوانین تکمیلی حاکم باشد. این امر در زمان بروز اختلاف میان طرفین قرارداد نیز اعمال می‌شود. مطابق بند مندرج در قرارداد با عنوان حل اختلاف، نهاد داوری مستقل و بی‌طرف اقدام به حل و فصل اختلاف می‌کند. همچنین طرفین می‌توانند اختلاف خود را به اتاق حل اختلاف فیفا^۴ ببرند تا در آنجا رسیدگی شود. این نهاد در سال ۲۰۰۱ تأسیس شده است و صلاحیت‌های مختلفی مانند نقض قرارداد، فسخ موجه قرارداد، رسیدگی به اختلافات ناشی از قراردادهای کار (در حوزه فوتبال) در سطح بین‌المللی را برعهده دارد (De Weger, 2016, p.5).

همان‌گونه که در بند حل اختلاف به صراحت بیان شده، آرای صادره از اتاق حل اختلاف فیفا قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان داوری ورزش خواهد بود.

۱. The World Anti-Doping Agency (WADA).

۲. FIFA Anti-Doping Regulations, 2018.

۳. FIFA Anti-Doping Regulations, Article 1.

۴. The FIFA Dispute Resolution Chamber (the DRC)

قابل اعتراض بودن آرای اتاق حل اختلاف فیفا در مقررات فیفا هم دیده می‌شود. مقررات وضعیت و نقل و انتقالات فدراسیون جهانی فوتبال یکی از مواد را به اتاق حل اختلاف اختصاص داده و در انتهای ماده مزبور به موضوع قابلیت اعتراض تصمیمات متخذه از سوی این اتاق اشاره نموده است.^۱

مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶ نیز به موضوع حل اختلاف پرداخته است. این امر در ذیل ماده ۲۷ با عنوان «اتاق حل اختلاف» تبیین شده است.

ب-۷. مقررات فوتبال

مطابق بخش نامه ۲۰۰۸، موارد ضروری در باب درج مقررات در یک قرارداد فوتبال به ترتیب زیر است:

۱. مقررات فوتبال شامل قوانین کمیته اخلاق و تصمیمات فیفا، کنفدراسیون مربوطه، اعضای سازمان و (در موارد قابل اعمال) لیگ حرفه‌ای است.
۲. باشگاه و بازیکن باید با مجموعه مقررات مذکور موافقت کنند، آن‌هم به صورت امضای ذیل فرمی که به صورت صحیح تدارک دیده شده است.
۳. باشگاه و بازیکن اذعان می‌کنند مقررات فوتبال مذکور ممکن است در اثر گذشت زمان تغییر یابد.

دنیای فوتبال مجموعه‌ای کامل از مقررات را در اختیار دارد. تنوع این مقررات به اندازه‌ای است که هریک از ساختار آن دارای مجموعه مقررات اختصاصی است. فدراسیون جهانی فوتبال نهادی بین‌المللی است که کنفدراسیون‌ها و فدراسیون‌های عضو مکلف به تبعیت از آن‌اند. به موجب اساسنامه فیفا، مقررات اعضا باید مطابق با مقررات فیفا باشد و از آن تبعیت کند. به عبارت دیگر، هریک از اعضا نمی‌توانند بنابر صلاح دید خود به تنظیم مقررات اقدام کنند. تعهدات اعضا در اساسنامه فیفا به صورت کامل و جامع مورد بحث قرار گرفته و فدراسیون جهانی فوتبال به موضوع تبعیت همه‌جانبه اعضا از مجموعه مقررات فیفا به وضوح صحبت به میان آورده است.^۲ برای نمونه، اساسنامه فیفا

۱. Regulations on the Status and Transfer of Players, March 2020 edition, Article 24.

۲. FIFA Statutes, Article 14.

در ماده ۷ ذیل عنوان قوانین بازی اظهار داشته که تنها هیئت بین‌المللی فوتبال (IFAB)^۱ حق تعیین و تغییر قوانین بازی را دارد و اعضا مکلف‌اند از آن تبعیت کنند و اختیاری برای تغییر آن ندارند. این هیئت تنها نهادی است که در فوتبال صلاحیت قانون‌گذاری دارد و متشکل از نمایندگان فیفا و چهار اتحادیه فوتبال بریتانیا، اسکاتلند، ولز و اتحادیه فوتبال ایرلند شمالی است.

قسمت آخر بند «مقررات فوتبال» در صدد بیان تأثیر تغییر مقررات بر بخش‌نامه کمیته اجرایی فیفا با عنوان «حداقل الزامات قرارداد یک بازیکن حرفه‌ای» است که در نتیجه بر قرارداد هم اثر خود را خواهد گذاشت. به دیگر بیان، بخش‌نامه مزبور به صورت شناور حرکت می‌کند و متأثر از مقررات روز خواهد بود. بخش‌نامه مورد بحث در ۲۰۰۸ تصویب شد و مقررات فوتبال از آن زمان تاکنون دست‌خوش تغییرات بسیاری بوده است. برای مثال، آخرین تغییرات اساسنامه فدراسیون جهانی در ۲۰۱۹ صورت گرفته و یا مقررات وضعیت و نقل و انتقالات فیفا در ۲۰۲۰ به‌روزرسانی شده است. مقررات اخلاق و انضباطی فیفا از دیگر مقرراتی هستند که آخرین اصلاحات آن‌ها در ۲۰۱۹ صورت گرفته است. بنابراین، با توجه به بند اخیر بخش‌نامه، مقرراتی که تغییر کرده‌اند بر این مقرر و قراردادهای منعقد شده حاکم‌اند و تأثیر خود را اعمال می‌کنند.

۲-۱. الزامات قراردادهای فوتبال از منظر فدراسیون فوتبال ایران

معمولاً قرارداد باشگاه و بازیکن در ایران متن از پیش تعیین شده‌ای است که از سوی فدراسیون‌های ورزشی تهیه و تنظیم می‌شود و در اختیار باشگاه‌ها قرار می‌گیرد. باشگاه‌ها نیز هنگام انعقاد قرارداد آن را به بازیکن ارائه می‌کنند. فدراسیون فوتبال ایران از مقررات منحصر به فردی در زمینه حداقل الزامات قرارداد فوتبال برخوردار نیست و به صورت پراکنده در مقررات عام خود به این امر اشاره نموده است. برای نمونه، در بند ۲ ماده ۱۹ مقررات نقل و انتقالات فدراسیون فوتبال^۲ بیان شده است: «طول مدت قرارداد برای بازیکنان حرفه‌ای حداقل از تاریخ شروع آن تا انتها همان فصل و حداکثر پنج فصل ورزشی می‌باشد.»

۱. The International Football Association Board

۲. مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶، بند دو ماده ۱۹.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقررات موجود برای بازیکنان حرفه‌ای وضع شده است؛ بنابراین ضروری است بازیکن حرفه‌ای تعریف شود. ماده ۲ مقررات نقل و انتقالات به این امر اختصاص یافته است. مطابق این ماده، بازیکنانی که در فوتبال شرکت می‌کنند به دو دسته حرفه‌ای و آماتور تقسیم می‌شوند. بازیکن حرفه‌ای بازیکنی است که قرارداد کتبی بازیکن حرفه‌ای با یک باشگاه داشته باشد و درآمدی که از فعالیت‌های فوتبالی‌اش به دست می‌آورد بیش از هزینه‌هایی است که متحمل می‌شود. بازیکن آماتور نیز بازیکنی است که قرارداد کتبی آماتوری دارد و درآمد وی کمتر از هزینه‌های جاری زندگی او است.^۱

شروط و مندرجات قرارداد ورزشی که از سوی فدراسیون تنظیم و ارائه می‌شود، قابل تغییر و دخل و تصرف از سوی باشگاه‌ها و بازیکنان نیست. بنابراین طرفین یا باید چنین قراردادی را به همان نحو بپذیرند یا آن را رد کنند.

قرارداد ورزشی ارائه شده متضمن موضوعاتی مثل دستمزد و نحوه پرداخت آن، مدت قرارداد، وظایف و تکالیف باشگاه و بازیکن، مسئولیت‌های طرفین قرارداد، ضمانت اجرای عدم انجام تعهدات، حقوق مالیاتی و غیره است. البته این‌گونه نیست که قرارداد استاندارد همواره در خدمت منافع باشگاه باشد، بلکه برخی موارد و بندهای قراردادهای استاندارد به سود بازیکنان است. برای مثال، در بیشتر قراردادها بندی وجود دارد که بازیکن را از پرداخت هزینه‌های اسکان و مسافرت معاف می‌کند (شعبانی مقدم، ۱۳۹۳، ص ۱۳۱).

بنابراین از مذاقه در قوانین موجود در فوتبال ایران مشخص می‌شود، برخلاف مقررات فیفا، آیین‌نامه یا بخش‌نامه ویژه‌ای در زمینه حداقل الزامات قراردادهای فوتبال پیش‌بینی نشده است و فقط در ذیل ماده ۱۹ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶ با عنوان الزامات ویژه مربوط به قرارداد بین باشگاه‌ها و بازیکنان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. همان، ماده ۲.

۲. مقایسه قراردادهای داخلی و رسمی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در زمینه قراردادهای فوتبال مطرح است، تمیز میان قراردادهای داخلی انعقاد یافته بین باشگاه و بازیکن و قراردادهای رسمی در فرم‌های فدراسیون است.

فرض کنید ابتدا باشگاهی در محل خود اقدام به انعقاد قرارداد داخلی با بازیکنی کرده و توافق شروط و مواردی را نامه ذکر می‌کند. سپس، در فدراسیون فوتبال، قرارداد دیگری میان همان باشگاه و بازیکن در فرم‌های رسمی فدراسیون منعقد شود. چنانچه بندها و شروط موجود در این دو قرارداد با یکدیگر متفاوت باشد، چه باید کرد؟

۲-۱. قراردادهای داخلی

در بسیاری از موارد، باشگاه‌ها بدون ثبت رسمی قرارداد در مرجع صالح، اقدام به انعقاد عقد با بازیکنان می‌کنند. این امر که در لیگ‌های دسته یک و پایین‌تر رواج دارد، به قراردادهای داخلی معروف است. به بیان دیگر، قراردادی را که میان باشگاه و بازیکنان و بدون ثبت در فدراسیون منعقد می‌شود قرارداد داخلی می‌نامند.

قرارداد داخلی به صورت رضایی منعقد می‌شود و تشکیل آن نیاز به انجام تشریفات خاصی ندارد. در حقوق ایران نیز، اصل بر این است که عقد با توافق و تراضی طرفین منعقد می‌شود و نیازی به رعایت ترتیبات معین نیست. به عبارت دیگر، هرگاه طرفین قراردادی در خصوص انعقاد آن به توافق دست یابند، آن عقد بدون احتیاج به ملحوظ داشتن تشریفات ویژه‌ای تشکیل می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۸، جلد ۱، ص ۸۸).

از دلایل اعتبار قرارداد داخلی میان باشگاه‌ها و بازیکنان می‌توان به رویکرد مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال اشاره کرد که مطابق آن، قراردادهای فوتبال به مجرد امضای طرفین عقد معتبر و قابل استناد است و برای طرفین تعهدآور و لازم‌الاتباع است.^۱ همچنین، به موجب بخش دیگری از مقررات مذکور، به منظور معتبر دانستن یک قرارداد فوتبال، درج مشخصات کامل باشگاه و بازیکن، تصریح به موضوع قرارداد، مدت اعتبار آن، قید مبلغ قرارداد و توافقات در زمینه شیوه پرداخت

۱. مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال، مصوب ۱۳۹۶، ماده ۱۰-۱۹

و در نهایت امضای طرفین عقد لازم و کافی است.^۱ همچنین مقررت فدراسیون فوتبال ایران اعتبار قرارداد را منوط به موفقیت در تست پزشکی یا اخذ مجوز کار نمی‌داند.^۲ بنابراین، با توجه به مطالب ذکرشده، تردیدی در اعتبار قراردادهای داخلی میان باشگاه‌ها و بازیکنان مطرح نخواهد بود و هر متنی که بین طرفین قرارداد به رشته تحریر درآید و به امضای ایشان برسد، در رکن قضایی به منزله مستند قابل ارائه است. البته باید توجه داشت نظارت‌نداشتن بر چنین قراردادهایی و ابهاماتی که ممکن است در حوزه‌های مختلف از جمله نقل و انتقالات وجود داشته باشد ممکن است نقض حقوق بازیکنانی را به دنبال داشته باشد که در ابتدای راه حرفه‌ای خود هستند.

۲-۲. قراردادهای رسمی

قراردادهای رسمی فوتبال قراردادهایی هستند که پس از پشت‌سرگذشتن تشریفات مقرر و ثبت در محل فدراسیون واجد اثر می‌شوند. لزوم ثبت قرارداد فوتبال به معنای بطلان قراردادی که به صورت داخلی منعقد شده و به ثبت نرسیده نیست. به عبارت دیگر، الزام به ثبت قرارداد فوتبال به منظور اعطای امتیاز از سوی فدراسیون فوتبال به طرفین قرارداد است. بنابراین، لزوم ثبت قرارداد در فدراسیون قرارداد فوتبال را به عقدی تشریفاتی مبدل نمی‌کند؛ بلکه عدم ثبت طرفین را از امتیازهای مترتب بر ثبت قرارداد محروم می‌کند و در مواردی نیز سبب مجازات بازیکن و باشگاه خاطی می‌شود.

مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال چرایی ثبت قرارداد و آثار و تبعات آن را به طور جامع عنوان کرده است. مطابق ماده ۵ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶، نام بازیکن فوتبال به منظور انجام بازی در یک باشگاه باید در سازمان لیگ فدراسیون فوتبال به عنوان بازیکن حرفه‌ای یا آماتور ثبت شود و علت ثبت نام بازیکنان آن است که فقط بازیکنان ثبت شده حق شرکت در مسابقات فوتبال را خواهند داشت.^۳ همچنین، هر بازیکنی در هر

۱. همان، ماده ۸-۱۹.

۲. همان، ماده ۶-۱۹.

۳. مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال، مصوب ۱۳۹۶، ماده ۵-۱.

برهه زمانی فقط حق ثبت قرارداد با یک باشگاه را دارد.^۱ ضمانت اجرای عدم ثبت بازیکنان و به تبع آن قرارداد نیز، علاوه بر تغییر نتیجه بازی، لزوم مجازات بازیکن و باشگاه از سوی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ایران خواهد بود.^۲

یکی دیگر از علل لزوم ثبت قراردادهای میان باشگاه و بازیکن در بند ۱۰ ماده ۱۹ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان بیان شده است. مطابق این بند، بهره‌بردن از بازیکن مستلزم ثبت قرارداد است.^۳

موضوع دیگری که باید بدان توجه نمود امکان تعارض میان قرارداد داخلی و قرارداد رسمی (ثبت شده) است. چنانچه میان قرارداد داخلی و قرارداد رسمی ثبت شده تعارضی پیش آید، می‌توان به شرح ذیل قائل به تفکیک شد:

الف) در صورتی که یکی از عقود تابع قصد باطنی و دیگری برآمده از اراده ظاهری باشد، قراردادی که برخاسته از قصد واقعی طرفین است معتبر خواهد بود. زیرا قصدی منشأ اثر حقوقی است که منطبق با اراده واقعی طرفین باشد. به عبارت دیگر، در تعارض میان قصد درونی و ظاهری، اراده‌ای که برخاسته از باطن است رجحان خواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۰).

ب) چنانچه یکی از عقود بنا به هر دلیلی از قبیل فرار از مالیات به صورت صوری تشکیل شود، تردیدی در بطلان آن نخواهد بود. زیرا در قرارداد صوری، اراده جدی برای انعقاد عقد وجود نداشته و عقد بدون قصد در حال باطل است.

ج) هنگامی که هر دو قرارداد بر مبنای اراده باطنی باشند و هیچ‌یک جنبه صوری نداشته باشد، قرارداد ثبت شده برای طی مراحل قانونی و در حکم آخرین اراده طرفین معتبر خواهد بود.

از دیگر مواردی که اعتبار قرارداد داخلی و خدشه‌دار نبودن آن در صورت خودداری از ثبت را بیان می‌کند، آن است که هدف باشگاه از انعقاد قرارداد با بازیکن فقط منوط به حضور در مسابقات نیست. چه بسا ممکن است باشگاهی مبادرت به انعقاد عقد با بازیکن

۱. همان، ماده ۲-۵.

۲. همان، ماده ۱۱.

۳. همان، ماده ۱۰-۱۹.

مستعد جوان بی‌نام‌ونشانی به بهای اندک کند تا بتواند، پس از آموزش و پرورش وی، درآمد چشمگیری به دست آورد.

در پایان، به دو رأی دیوان داوری ورزش (CAS)^۱ اشاره می‌شود که در تأیید رضایی بودن قراردادهای داخلی میان باشگاهها و بازیکنان صادر شده است:

۱. ادعای باشگاه مبنی بر بطلان قرارداد به دلیل عدم ثبت در هیئت فوتبال هیچ اعتباری ندارد و باشگاه باید دستمزد بازیکن را بپردازد.^۲
۲. در فرضی که قراردادی مطابق مقررات فیفا تنظیم شود اما مغایرتی با دستورالعمل‌های داخلی یک کشور برای ثبت بازیکن داشته باشد، باید قرارداد را صحیح تلقی نمود.^۳

البته به نظر می‌رسد صحیح بودن قراردادهای داخلی منوط به این است که در این قراردادها قواعد آمره نقض نشده باشد و به بیگاری و بهره‌کشی از بازیکنان تبدیل نشوند. امری که با فقدان نظارت بر قراردادهای داخلی دور از ذهن نیست.

۳. مقایسه قراردادهای ملی و بین‌المللی

قراردادهایی که در عرصه بین‌المللی منعقد می‌شوند، بسیار متفاوت از قراردادهای منعقدشده در ایران هستند. این اختلاف‌ها فقط از نظر ظاهر قراردادها نیست و ابعاد دیگری را نیز دربر می‌گیرد.

در این مبحث تلاش شده است به زوایای مختلف این تفاوت‌ها پرداخته شود.

۱-۳. تفاوت در فرهنگ

میان قراردادهای منعقدشده مابین باشگاهها و بازیکنان فوتبال در سطح ملی و فراملی تفاوت‌چندانی از لحاظ کلیات به چشم نمی‌خورد. یکی از تفاوت‌های موجود تفاوت در فرهنگ داخلی و بین‌المللی است. برای نمونه، استفاده از مشروبات الکلی در ایران ممنوع است و از سوی قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است. بنابراین، با توجه به مشروعیت‌نداشتن، در قراردادهای فوتبال درباره محدودیت‌های استفاده از آن صحبتی به میان نمی‌آید. اما

1. Court of Arbitration for Sport.

2. CAS 2013, A, 3163 (Dnipro Dnipropetrovsk Football Club v.Dorian Bylykbashi), Award of 11 December 2013.

3. CAS 2010, A, 2059 (FK Dac 1904a.s. v.Dritan Stafsulaj), Award of 15 November 2010.

همین امر در بسیاری از کشورها ممانعت قانونی ندارد و افراد در استفاده از آن منع نشده‌اند؛ با وجود این، در این قبیل کشورها، قراردادهای فوتبال از این منظر محدودیت‌هایی را برای بازیکنان در نظر گرفته و بندهایی از قرارداد را به این موضوع اختصاص می‌دهند. چراکه استفاده بی‌رویه از مشروبات الکلی بر توانایی بازیکن تأثیرگذار خواهد بود و در نتیجه اضرار به باشگاه را در پی خواهد داشت.

۲-۳. تفاوت در شرایط فسخ قرارداد

یکی دیگر از تفاوت‌هایی که در قراردادهای داخلی و بین‌المللی دیده می‌شود مربوط به فسخ یک‌طرفه قرارداد است. در قراردادهای فراملی بندی تأثیرگذار و پرکاربرد با عنوان JUST CAUSE گنجانده می‌شود که این امر را فدراسیون جهانی فوتبال در مقررات نقل و انتقالات بازیکنان ملحوظ داشته است. به موجب این بند، چنانچه باشگاه حقوق بازیکنان را بر طبق شرایط مقرر در قرارداد پرداخت نکند، بازیکن این حق را خواهد داشت تا قرارداد را یک‌طرفه فسخ کند. در مقابل، در صورتی که بازیکن تخلفات آشکار مرتکب شود، باشگاه نیز اختیار فسخ یک‌طرفه قرارداد را به دست می‌آورد.^۱

عبارت JUST CAUSE، اصطلاحی تخصصی است و نباید تحت‌اللفظی ترجمه شود. معنی لغوی این عبارت «تنها دلیل» است، اما در متون تخصصی حقوقی معنایی متفاوت از این گزاره دارد. مراد از آن در متون حقوقی، به‌ویژه بحث حاضر، «فسخ موجه» است.^۲ در اروپا، اگر باشگاه دستمزد بازیکن را ندهد، بازیکن با حصول شرایط مقرر به راحتی می‌تواند قرارداد را فسخ کند، در حالی که در مقررات فوتبال ایران چنین شرطی پیش‌بینی نشده است.^۳

۳-۳. تفاوت در مدت انعقاد قرارداد

نحوه انعقاد قرارداد و مدت‌زمان جذب بازیکنان نیز یکی از تفاوت‌هایی است که بین فوتبال ایران و جهان وجود دارد. قراردادهای نیم‌فصلی، یک فصلی و بعضاً چندماهه وضعیتی را ایجاد کرده است که هواداران یک تیم علاقه عمیقی به بازیکنان تیمشان نداشته باشند، چون با این قراردادهای کوتاه‌مدت می‌دانند که وفای یک بازیکن به پیراهن تیم

1. The FIFA Regulation on the Status and Transfer of Players, Article 15.

2. Ibid, Article 14.

3. Ibid, Article 14bis.

موردعلاقه‌شان بیش از چند ماه طول نخواهد کشید و خیلی زود با ورود واسطه‌ها و دلال‌ها و با اعمال نفوذ بازیکن تازه‌جذب‌شده از تیم‌شان جدا خواهد شد. مدت‌زمان قرارداد ستاره‌های فوتبال پنج کشور بزرگ فوتبالی جهان که لیگ‌های مطرحی دارند، به‌روشنی بیانگر این تفاوت است. لیگ‌های باشگاهی آلمان (بوندس لیگا)، اسپانیا (لالیگا)، فرانسه (لوشامپیونه)، ایتالیا (سری‌آ) و انگلیس (لیگ برتر) بهترین‌های جهان در عرصه مسابقات باشگاهی فوتبال هستند که قرارداد بازیکنانشان بلندمدت منعقد می‌شود. مثلاً فرانچسکو توتی، بازیکن سابق تیم ملی ایتالیا و باشگاه رم، از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۷ به مدت ۲۵ سال در این باشگاه عضویت داشت. از این دست نمونه‌ها در سطح اول فوتبال جهان به وفور دیده می‌شود. استیون جرارد، پائولو مالدینی، جان تری، کارلس پویول، پاول اسکولز، خاویر زانتی از چهره‌های برجسته در این امر به‌شمار می‌آیند.

۴-۳. تفاوت دیدگاه نسبت به تیم‌های پایه و بازیکنان جوان

در عصر حاضر و با پیشرفت چشمگیر ورزش فوتبال، باشگاه‌ها صرفاً در رده بزرگسالان فعالیت نمی‌کنند، بلکه آنسطوح متفاوتی از قبیل نونهالان، نوجوانان و امید را در اختیار دارند. امروزه، باشگاه‌های مطرح جهان توجه ویژه‌ای به تیم‌های پایه خویش دارند. چراکه بازیکنان نونهال و نوجوان بی‌نام‌ونشان امروز فردای باشگاه را خواهند ساخت و موفقیت باشگاه را به ارمغان خواهند آورد. به همین منظور، باشگاه‌های حرفه‌ای از طریق استعدادیاب‌های خبره‌ای که در اختیار دارند در صدد کشف بازیکنان کم‌سن‌وسال و ناشناخته بر می‌آیند و آنان را با مبالغی بسیار اندک و در قالب قراردادهایی بلندمدت به خدمت می‌گیرند و قراردادی یک‌طرفه به سود خود منعقد می‌کنند. متعاقب انعقاد قرارداد، باشگاه با برنامه‌ریزی دقیق و منظم اقدام به پرورش بازیکن می‌کند و پس از گذشت مدتی، آن نوجوان مستعد ارزان‌قیمت تبدیل به ستاره‌ای گران‌بها می‌شود. در این موقعیت، باشگاه دو راهکار پیش روی خواهد داشت؛ اول آنکه این ستاره جوان را به تیم اصلی خود، یعنی بزرگسالان، انتقال دهد تا از نبوغ و توانایی وی جهت موفقیت باشگاه بهره‌مند شود و دیگر آنکه بازیکن جوانی را که با مبلغی ناچیز خریداری کرده با بهایی چند برابر و گزاف به باشگاه دیگری بفروشد تا از این طریق درآمدی ایدئال کسب کند. این امر ممکن است موجب افزایش اعتبار باشگاه و بالارفتن سهام آن نیز بشود.

اما متأسفانه در فوتبال ایران این موضوع بسیار مهم و مؤثر مغفول مانده و اهالی فوتبال توجه لازم را به این امر مبذول نمی‌نمایند. اکثر باشگاه‌های ایران از داشتن استعدادیاب محروم‌اند و به خدمت گرفتن بازیکنان موجود در بازار فوتبال را تنها راه ادامه حیات خود می‌دانند. از همین رو باشگاه‌های داخلی به تیم‌های پایه توجه خاصی ندارند و به جای تولید بازیکن در صدد استفاده از بازیکنان رشدیافته و پابه‌سن‌گذاشته هستند. این امر باعث می‌شود عمر قراردادهای فوتبال معمولاً کوتاه‌مدت باشد و با توجه به شرایط حاکم و معضلات موجود، بازیکنان و باشگاه‌ها ترجیح دهند قرارداد بلندمدت منعقد نکنند.

نتیجه‌گیری

قراردادهای فوتبال، در دنیای کنونی، به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا فوتبال قشر انبوهی از جوامع جهانی را دربر گرفته و بر حوزه‌های گوناگونی نظیر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، جامعه و مانند آن تأثیر بسزایی گذاشته است.

بررسی قراردادهای داخلی و بین‌المللی فوتبال حداقل الزامات موردنیاز و کمبودهای بخش داخلی را نمایان ساخت. در حوزه بین‌المللی، بخش‌نامه‌ای به همین منظور از سوی کمیته اجرایی فدراسیون جهانی فوتبال در ۲۰۰۸ تهیه شد که ضرورت تصویب آن به علت سوءاستفاده‌های باشگاه‌ها از بازیکنان جوان و تازه‌کار و نقض گسترده حقوق بشر در روابط قراردادی بین بازیکنان و باشگاه‌ها بود. البته، با عنایت به گذشت بیش از یک دهه، نیاز به اعمال تغییرات لازم و به‌روزرسانی این مقرره احساس می‌شود. فدراسیون فوتبال ایران از داشتن چنین مجموعه‌ای محروم است. فدراسیون فوتبال ایران تنها در یک ماده درخصوص این موضوع مهم سخن به میان آورده است.

متأسفانه، با توجه به نقایص و خلأهای موجود در مقررات حقوق ورزشی در ایران، غالب قراردادهای در حوزه فوتبال محرمانه و به دور از شفافیت منعقد می‌شوند و در پی آن، قرارداد دیگری با شرایط متفاوت با توافقات محرمانه در فرم‌های مخصوص فدراسیون فوتبال به رشته تحریر درمی‌آید. از جمله علل مبادرت طرفین قرارداد به این امر را می‌توان پدیده فرار مالیاتی و ضعف نظارت مسئولان مربوطه اشاره کرد.

لزوم ثبت قرارداد فوتبال به معنای بطلان قراردادی که به صورت داخلی منعقد شده و به ثبت نرسیده نیست. به عبارت دیگر، الزام به ثبت قرارداد فوتبال به منظور اعطای امتیازهایی از سوی فدراسیون فوتبال به طرفین قرارداد است. وانگهی، در فرض تعارض میان قرارداد داخلی و قرارداد ثبت شده نیز، قراردادی معتبر است که به صورت واقعی منعقد شود و صوری نباشد و از سوی دیگر، با اراده و قصد باطنی آنان منطبق باشد.

میان قراردادهای فوتبال ملی و فراملی تفاوت‌های متعددی از جنبه‌های گوناگون مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین ناهمسانی‌ها به اختلاف در فرهنگ مربوط می‌شود. قراردادهای منعقدشده در هر سرزمینی بر پایه فرهنگ، آداب، رسوم و سنن آن سرزمین شکل می‌گیرد. از دیگر مغایرت‌ها تفاوت در شرایط فسخ آن‌هاست. در قراردادهای بین‌المللی بندی با عنوان فسخ موجه (JUST CAUSE) در نظر گرفته می‌شود تا هریک از طرفین قرارداد (باشگاه و بازیکن)، در صورت تحقق شروط مفروض، حق فسخ یک‌جانبه به دست آورند. اما چنین بندی در قراردادهای داخلی پیش‌بینی نشده است.

تفاوت دیگر مربوط به مدت قرارداد است. قراردادهای بین‌المللی غالباً بلندمدت منعقد می‌شود که این امر به هماهنگی بیشتر بازیکنان و درک بهتر از تاکتیک گروه و در نتیجه موفقیت باشگاه خواهد می‌انجامد. درحالی‌که قراردادهای ملی عمر کوتاهی دارند، از این رو باعث بی‌ثباتی در باشگاه می‌شوند و پیامدی جز شکست مجموعه را در پی ندارد. ژرف‌نگری نسبت به تشکیل تیم‌های پایه و بازیکنان جوان از دیگر تفاوت‌ها است. باشگاه‌های مطرح اروپایی از استعدادیاب‌های خبره بهره می‌برند و بدین وسیله بازیکنان مستعد در سنین نونهالی و نوجوانی را مد نظر قرار می‌دهند و اقدام به انعقاد قرارداد بلندمدت و ارزان‌قیمت با آنان می‌کنند و پس از پرورش همه‌جانبه بازیکن، منافع بسیاری به دست می‌آورند. در مقابل، فوتبال ایران از توجه به این موضوع مهم غافل بوده و برای تیم‌های پایه و بازیکنان جوان برنامه‌ریزی شایانی در نظر نگرفته است.

پیشنهاد می‌شود:

۱. فدراسیون فوتبال ایران، به منظور جلوگیری از انعقاد قراردادهای غیراستاندارد و در پی آن طرح دعوی متعدد در ارکان انضباطی و ورود ضررهای نامتعارف، کارگروهی

از اشخاص متخصص در حوزه فوتبال تشکیل دهد تا نسبت به تنظیم مقررات تخصصی در زمینه الزامات لازم در قراردادهای فوتبال اقدام کنند.

۲. فدراسیون فوتبال ایران باید مقررات ویژه‌ای در زمینه تعدد قراردادهای منعقدشده میان باشگاه‌ها و بازیکنان فوتبال تدوین کند تا در سایه آن بتواند رویه‌ای واحد در قلمرو گسترده انواع قراردادهای فوتبال حاکم کند.

۳. مقررات کنونی فدراسیون فوتبال ایران با ایرادهای گسترده‌ای مواجه است که علت اصلی آن، بهره‌نگرفتن از افراد متخصص در حیطه فوتبال است. فدراسیون فوتبال ایران باید برای رفع این نارسایی‌ها در مجموعه مقررات خود بازنگری کلی کند تا، با استفاده از دانش و تسلط اشخاص خبره حقوق ورزش فوتبال، از مقرراتی همسو و مطابق با فدراسیون جهانی فوتبال برخوردار باشد.

منابع

- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۳). حقوق ورزشی. تهران: انتشارات میزان.
- شورای انقلاب (۱۳۵۸). آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی.
- جعفری، فیض‌الله و مختاری، مهرناز (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی ماهیت حقوق تصویری ستارگان در تبلیغات تجاری». نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، ص ۵۱۱-۵۳۲.
- حلب‌چی، فرزین (۱۳۸۶). «دوپینگ در ورزشکاران». نشریه حکیم، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۱-۱۲.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ورزش. ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر. تهران: انتشارات توتیا.
- شرکاییان، کاظم (۱۳۹۴). تحلیل اصول حاکم بر قراردادهای منعقد بین باشگاه‌ها و ورزشکاران حرفه‌ای در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه شاهد.
- شعبانی مقدم، کیوان (۱۳۹۳). مبانی حقوق ورزشی. تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول.
- صنعتی، حمید (۱۳۸۹). وضعیت و آثار قرارداد فوتبال در حقوق موضوعه ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
- قانون مدنی ایران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). دوره حقوق مدنی عقود معین، جلد ۱. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت*. تهران: نشر میزان، چاپ ۴۶.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۱. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶). *مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال*.

میرشکاری، عباس (۱۳۹۷). «حق تصویر». *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۱۴۹-۱۷۴.

Balcarczyk, J. (2010). Sports image rights—a comparative overview. *Zbornik radova Pravnog fakulteta u Splitu*, 47(2), 327-334.

Boniface, P. (1998). Football as a Factor (and a Reflection) of International Politics. *The International Spectator*, 33(4), 87-98.

Cloete, R. (2012). The taxation of Image Rights: A Comparative Analysis. *De Jure*, Pretoria University Law Press, 45(3), 556-567.

Chadwick, S., Parnell, D., Widdop, P., & Anagnostopoulos, C. (Eds.). (2018). *Routledge Handbook of Football Business and Management*. Routledge.

De Weger, F. (2016). *The jurisprudence of the FIFA dispute resolution chamber*. TMC Asser Press.

Freeburn, L. (2018). *Power, Legal Authority and Legitimacy in the Regulation of International Sport*. BRILL.

FIFA (24 November 2008). Circular No.1171: Professional Football Player Contract Minimum Requirements, Zurich,.

FIFA (2018). Anti-Doping Regulations.

FIFA (2019). Code Of Ethics.

FIFA (2019). Disciplinary Code.

FIFA (June 2019). Statutes.

FIFA (March 2020). Regulations on the Status and Transfer of Players.

Gaillard, E. (1984). *La Double Nature Du Droit à L'image Et Ses Conséquences En Droit Positif Français*. Chron, 161-181.

- Geeraert, A. (2016). *The EU in international sports governance: a principal-agent perspective on EU control of FIFA and UEFA*. Springer.
- Grayson, E., (1994). *Sport and the Law*. 2nd ed. London: Butterworth and CO.
- Giulianotti, R. (2005). "Sport Spectators and the Social Consequences of Commodification: Critical Perspectives from Scottish Football." *Journal of Sport and Social Issues*, 29(4), 386-410. doi:10.1177/0193723505280530.
- Horne, J. (2000). "Understanding Sport and Body Culture in Japan." *Body & Society*, 6(2), 73-86. doi:10.1177/1357034X00006002004.
- Jorge, G. (2021). Fixing FIFA: The experience of the independent governance committee. *Sw. J. Int'l L*, 21, 165-167.
- Lauterbach, T. (2005). US-style 'personality' right in the UK-en route from Strasbourg?. In *20th BILETA conference-Queen's University of Belfast (April, 2005) 20Route (Vol. 20)*, pp. 12-25.
<https://www.liverpoolfc.com/match/2019-20/first-team/aston-villa-v-liverpool-carabao-cup-live-match-blog>, 17th Dec 2019.
- Pijetlovic, K. (2015). *EU sports law and breakaway leagues in football*. Asser Press.
<https://www.theguardian.com/football/2019/jun/17/francesco-totti-hits-out-at-roma-hierarchy-as-he-leaves-club-after-30-years>
<https://www.thesportster.com/soccer/top-10-most-loyal-player-all-time/>
- McPherson, S. S. (2016). *Doping in Sport: Winning at Any Cost?* Twenty-First Century Books.
- Westkamp, G. (2009). Celebrity Rights in the UK after the Human Rights Acts: Confidentiality, Privacy and Publicity. *Prawo*, 308, pp. 535-548.
- Yamazaki, T. (2018). *Sports Law in Japan*. second edition, Wolter Kluwer.

Football Contracts under the Regulations of FIFA and IRAN's Football Federation

Mojtaba Asgharian¹, Seyed Mohammad Javad SarBaha²

Abstract

Football contracts in the domestic arena and, to some extent, in the international stage suffer from a plethora of gaps and imperfections. According to pronouncements by FIFA, every football contract is valid only upon the possession of 13 specific headings. In contrast, the regulations of Iran's football federation lacks any particular minimum criteria for football contracts.

This paper, while examining the minimum criteria of football contracts under the regulations of FIFA and Iran's football federation, deals with the legal status of player's internal contracts with clubs, particularly when they conflict with the official agreements of the players registered in football federation and reaches the conclusion that in case of conflict between the contents of internal contracts and the formal agreements registered in the football federation, the latter prevails. Also, it comes up with the findings that codification of a minimum standards for football contracts, the unification of the contents of such agreements, modernization of regulations applicable in the football field, and the removal of their ambiguities, are necessary and unavoidable.

Keywords: Football Contract, FIFA, Football Federation

۱. Assistant Professor, Kharazmi University (Corresponding author); Asgharian@khu.ac.ir

۲. M.A in Private law, University of Science and Culture; sarbaha67mj@gmail.com